فهرست

[اصول/ سیره معصوم 2](#_Toc128230364)

[پیشگفتار 2](#_Toc128230365)

[دلیل دوم حجیت سیره معصوم 2](#_Toc128230366)

[مرور بر مفردات آیه 3](#_Toc128230367)

[تأکیدات آیه 3](#_Toc128230368)

[بررسی «کُم» در «لکم» 4](#_Toc128230369)

[نکته مهم در واژه اسوه 4](#_Toc128230370)

[حسنه قید توضیحی یا احترازی 5](#_Toc128230371)

[۱- احتمال اول قید توضیحی 5](#_Toc128230372)

[۲- احتمال دوم 5](#_Toc128230373)

[۳- احتمال سوم 5](#_Toc128230374)

[تفاوت معنای اول و دوم 6](#_Toc128230375)

[جمع‌بندی 7](#_Toc128230376)

[احتمالات رجاء در آیه 7](#_Toc128230377)

[احتمال اول: ایمان است 7](#_Toc128230378)

[احتمال دوم: اشتراک بین مؤمنان 8](#_Toc128230379)

[بحث ذکر الله کثیرا 8](#_Toc128230380)

[اصل بحث در آیه 8](#_Toc128230381)

[معنای اتباع 8](#_Toc128230382)

[2- اتباع در مباحث تعلیم و تربیت 9](#_Toc128230383)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ سیره معصوم/ادله

# پیشگفتار

عرض شد در حجیت سیره معصوم اولین دلیل تمسک به وصف عصمت معصوم بود که مفصل بحث کردیم و جمع‌بندی این بود که فی‌الجمله قابل تمسک است ولی بالجمله نیست.

جزییاتی دارد که باید آن تفاصیل و جزییات را مشخص کرد.

# دلیل دوم حجیت سیره معصوم

آیه شریفه **﴿لَقَدْ کَانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾**[[1]](#footnote-1) بود تا آیه تأسی است و مورد استدلال قرار گرفته است برای وجوب یا لااقل رجحان تأسی و اقتدا به افعال معصومین، کم‌وبیش در تتبعات سابق هم معلوم می‌شد تمسک به این آیه شریفه برای وجوب یا رجحان اتباع یا تأسی به افعال معصومین سابقه دارد منتهی کاملاً دیده می‌شود که تمسک به این آیه شریفه سابقه دارد در همان قرون اول در کتب اصولی ما بوده است و گاهی کلامی عامه هم وجود دارد آن هم هست یعنی در کلمات عامه و مذاهب دیگر هم چه در برخی از مباحث کلامی و به‌ویژه در این مباحث اصولی شاهدیم که در بحث سیره معصوم به این آیه تمسک شده است

در اصول ما هم همین‌طور است خود اینها که جمع‌آوری کرده آید نشان می‌دهد اصولیین ما هم ناظر به آن هستند گاهی اقوال آن‌ها را هم نقل کرده‌اند.

بزرگان ما در تأسیس الشیعه بگویند شیعه یک جاهایی مؤسس بوده است اما در پایه‌گذاری هسته اولیه عامه هستند ولی شیعه چون در اقلیت بوده‌اند نمی‌توانسته‌اند یک گفتمان خیلی وسیع درست بکنند ولی آن‌ها اکثریت بودند و شیوع پیدا می‌کرد به همین دلیل هم خیلی چیزها مستند به آن‌ها شده است. بزرگان ما تلاش کرده‌اند نشان بدهند در کتبی که به عنوان تأسیس الشیعه آمده است که شیعه هم نقش مؤثری در تأسیس داشته و لااقل در یک جاهایی در بالندگی و اینکه همراه تأسیس اینها همه حضور داشته‌اند

این لازم هم بوده است علت این بوده است که حتی آن جایی که اینها در تأسیس دخالت دارند جای این وجود دارد که تحت‌الشعاع قرار بگیرند به دلیل اینکه در اقلیت در عددی بودند و از نظر کیفیت هم در بسیاری از ادوار تحت فشار و اختناق و محدودیت بودند. این دو جهت از نظر تاریخی وجود دارد.

طبیعی است که جمعی که از این دو نظر تحت شرایط ویژه قرار بگیرد و اگر هم پیشگامی هم داشته باشد در معرض این است که به طاق نسیان سپرده بشود و مورد غفلت قرار بگیرد و لذا تلاش بزرگان ما بر این بوده است که نشان بدهند که شیعه در اینجا نقش داشته است.

به همین دلیل است ما در اصول و روایات و خیلی جاهای دیگر حرفی که اینها می‌زنند به نحو آن حرف رایج متداول که در اکثریت سریان و جریان داشته است متعرض بشوند

لذا در این ده پانزده کتب اصولی ما که از ازلیه و عده شروع می‌شود و تا دوره معاصر می‌بینیم این مقوله مطرح هست و آن متقدمین کلماتشان که دقت بکنیم نشان می‌دهد که در بین عامه هم وجود داشته است و بعضی از کلماتشان در ملاحظات دیگر دیده شده بود که آن‌ها هم در این مسئله پرداخته‌اند.

آنچه تا به حال در این حدود شش نکته مرور کردیم نکاتی بود که هنوز ما را به نکته اصلی و دلالت آیه شریفه نرسانده است اما درعین‌حال این نکاتی که مطرح شد به خصوص بعضی از آن‌ها در استنتاجات و پرداختن به نکات اصلی بی‌دخالت نبود.

# مرور بر مفردات آیه

آنچه تا به حال به آن پرداختیم بیشتر روی مفردات آیه بود با حذف آن و گذر قبلی اگر بخواهیم به آیه نگاهی بکنیم می‌شود به آن آیه فهرست‌وار نگاه کرد به این ترتیب؛

## تأکیدات آیه

۱- این بحث بود که در آیه تأکیدات خیلی بالایی وجود دارد این تأکیدات ممکن است در آن نقاط محوری و اصلی کمک بدهد در آیه حدود پنج تأکید وجود دارد لام در لَقَدْ کَانَ، «قد» «کان» و حتی ممکن است بگوییم بعضی کلمات و مفردات بعدی مؤکد و جزو قراین تأکیدی به شمار می‌آید غیر از این لام و قد و کان که همه تأکید را افاده می‌کند کل جمله که به شکل خبری در آمده است تأکید دارد و تأکید پنجم آن لام در «لکم» است اگر گفتیم این لام نفع است نه فقط ملکیت و اختصاص این هم نکته دیگر در مؤکدات می‌شود و همین‌طور «فی» در «فی رسول الله» ممکن است بر اساس بعضی از احتمالات مؤکد باشد و همین‌طور «حسنة» بر اساس بعضی از احتمالات و همین‌طور **﴿لِمَنْ کَانَ یَرْجُو اللَّهَ﴾**.

بنابراین زنجیره مؤکدات در این آیه شریفه بسیار قوی است حدود هفت تأکید بسیار قوی است و بقیه هم بنا بر بعضی از احتمالات.

پس کل این آیه شریفه حاوی یک سلسله‌ای از نکات ادبی است که همه آن‌ها می‌تواند مؤکد بر محتوا و مضمونی باشد که در آیه آمده است و ارتکاز ما هم همین است که ما قبل از اینکه تحلیل این جزییات را بکنیم از قدیم که این آیه را می‌خواندیم گفتیم آیه پر پیمانه‌ای است که مضمون را خیلی قوی ایفا و ادا می‌کند **﴿لَقَدْ کَانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ کَانَ یَرْجُو اللَّهَ﴾**

آن لمن‌کان ر ا هر جوری بگوییم یک جوری تقویت می‌کند

از این جهت است که هفت نکته در آیه است که مؤکد است سه چهارتا قطعاً مؤکد است و بعضی از آن‌ها بنا بر بعضی از احتمالات می‌تواند مؤکد به شمار آید

این بافت کلی آیه از لحاظ تأکیداتی است که ما شاهدیم.

## بررسی «کُم» در «لکم»

از آن که گذشتیم یکی راجع به «کُم» اینجا بحث شد، راجع به لام لکم بحث نکردیم لام لکم یک بحثی دارد که آیا صرف اختصاص را می‌گوید یا معنای نفع هم در آن گنجانده شده است؟ یعنی لام مقابل «علی» است این هم دو احتمال است که این فقط آن اختصاص را افاده می‌کند و یک احتمال این است که این «لام» افزون بر این نفع را هم افاده بکند

این از مواردی است که در ادبیات نیازمند بحث است که لام اختصاص و لام نفع است.

در هر صورت راجع به لام هم نگفتیم ولی جای مداقه است از جهت اینکه دو احتمال دارد اگر اشراب معنای نفع را در کلمه و واژه لکم بپذیریم این هم مؤکد می‌شود و نکات معانی بیانیه زائدی را افاده می‌کند.

بعد در کم یک بحث دیگر داشتیم که حدود چهار احتمال بود، مقصود از این کُم که منافقین باشد که سیاق این را افاده می‌کند

مؤمنین باشد، اینکه هر دو باشد، کل جامعه اسلامی باشد یا اینکه کُم، ناسی باشد خطاب به بشریت است.

این چند احتمال که در کُم بود.

در «فی» فی رسول الله نکته‌ای بود که به جای اینکه بگوید پیامبر اسوه است یا اتباع بکنید للرسول الله یا رسول الله را بدون ادات، «فی» آورده است این افاده تأکیدی می‌کند این ظرفیت به نوعی فنای در او و حذف شدن در متبع را افاده بکند

## نکته مهم در واژه اسوه

یک نکته مهم هم در اسوه بود که بحث کردیم

این نکته را استدراکی داشته باشم، تأکیدی داشتیم که اینجا «اسوه» را دو جور می‌شود معنا کرد یکی به معنای مصدری و اسم مصدری و مشابه اینها بود که یعنی اتباع، که خود سه چهار وجه داشت

یکی اسوه به معنای متبَع و متأسی به بگیریم که اصطلاح متداول امروز ماست و ما آن اول را ترجیح قاطعی دادیم ولی درعین‌حال یک تردیدی باقی است در آن جهت برای اینکه در این اقوالی که جمع کردید در دوره‌های اول، مرحوم شیخ یا مرحوم سید مرتضی در کتب اصولی خود خیلی جاها اسوه را جوری معنا کرده‌اند که منطبق بر متأسی به است یعنی شخص الگو است این نشان می‌دهد این انتقال از اتباع به متبَع، چیز خیلی مستحدثی هم نیست سابقه دارد اگر همین‌جور جلوتر برویم فراتر از اینکه به سید مرتضی رسیدیم آن دو احتمال هر دو باقی می‌ماند شاید انسان نزدیک بشود به اینکه اسوه یعنی متأسی به، و آن وقت در بحث خیلی تأثیر می‌گذارد این نکته استدراکی است نسبت به آن

بنابراین یک بحث هم در اسوه بود

پس ترکیب تأکیدات یک بحث بود، غیر از آن لام در «لکم»، «کُم»، «فی» «اسوه» هر کدام بحث داشت البته در اسوه بحث‌های اصلی باقی مانده است که خواهیم پرداخت یک بحث دیگر راجع به «لمن‌کان» داشتیم که آن هم دو احتمال داشت.

## حسنه قید توضیحی یا احترازی

غیر از اینها «حسنه» هم اینجا وجود دارد که محل بحثی است این هفت هشت مطلب بود که ملاحظه کردید و یک مطلب در اول بود که این جمله انشایی است یا خبری است که ملاحظه کردید.

بحث بعدی بحث حسنه است

اینجا خداوند می‌فرماید لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ توصیف کرد اسوه را به حسنه اگر بگوییم اسوه به معنای اتباع هست، می‌فرماید اتباع نیکو، اگر بگوییم اسوه به معنای من یتأسی به، و متّبَع و شخص است باز هم می‌فرماید آن شخصی که نیکوست.

پس نیکویی یک وصفی است که آمده اینجا و اسوه را ترسیم کرده است که اسوه حسنه است، اینجا یک سؤال در این حسنه که مفهوم واضحی دارد این قید توضیحی است یا احترازی؟

### ۱- احتمال اول قید توضیحی

یک اتباعی نسبت به پیامبر باید داشته باشید که این اتباع شما نیکوست این تأکید می‌کند همان چیزی که در قبل بود، لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ می‌گوید این اتباع را دنبال بکنید ترغیب می‌کند به این اتباع، تأکید می‌کند که این اتباع، اتباع نیکویی است،

این یک احتمال است که کاملاً قید توضیحی باشد از قبل فهمیده‌ایم که این اتباع نیکوست و مرغب الیه است و حسنه این را تأکید می‌کند که اتباع نیکویی است.

### ۲- احتمال دوم

این است که این وصف که وصف اتباع یا متبَع هست ضمن اینکه آن را توصیف و ترسیم می‌کند درعین‌حال یک بار مضاعفی را می‌آورد می‌گوید این اتباع نیکوست و می‌تواند این نیکویی بار آن الزام قبل را بگیرد، ممکن است بگوییم این حسنه نبود ظهور در الزام بود اما حسنه ظهور آن را می‌گیرد و می‌گوید این اتباع نیکویی است، نیکویی با رجحان به معنای مطلق سازگارتر است تا با حسن به معنای لزومی و الزامی.

### ۳- احتمال سوم

این است که بنا بر آن نقطه‌ای که ممکن است لمن‌کان بدل نباشد و متعلق به حسنه باشد اگر این باشد حسنة لمن یرجوا الله دیگر حُسن اولیه را نمی‌گوید، این حُسن فعلی محقق شده را می‌گوید چون حسنة اگر از لمن‌کان جدا بشود یعنی اتباع خوبی است اما وقتی که **﴿حَسَنَةٌ لِمَنْ کَانَ یَرْجُو اللَّهَ﴾** بگوییم این حُسن، حسن ذاتی اولیه نیست این حسن به فعلیت رسیده است

آیه می‌فرماید لَقَدْ کَانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ این معلوم است یعنی اسوه تأسی خیلی خوبی است بعد می‌فرماید حَسَنَةٌ

لِمَنْ کَانَ یَرْجُو اللَّهَ این خوب که خوب اقتضایی است برای آن‌ها که دنبال خدا و آخرت هستند و ذکر کثیر دارند حسن تام و فعلی است این حسن از احتمالات قبلی معنای متفاوتی دارد این حسن اقتضایی را نمی‌گوید در احتمال اول و دوم حسن، اقتضاء بود در مقام تشریع این اتباع، اتباع خوبی است اما بنا بر احتمال سوم این حسن، حسن تام فعلی می‌شود

حسن تام فعلی برای کسانی که آمده‌اند پای کار اعتقاد به خدا و قیامت و ذکر فراوان دارد آن حسن اقتضایی که از قبل می‌فهمیدیم اینجا حسن تام فعلی است

پس یک بار است می‌گوییم این حسن همان حسن در مقام تشریع است که اقتضایی است و در مقام جعل و تشریع است یک بار می‌گوییم این حسن در مقام تحقق و فعلیت است بنا بر اینکه حسن لمن‌کان را بدل بگیریم احتمال اول بیشتر ظاهر است که این حسن اقتضایی و تشریعی و جعل است

### تفاوت معنای اول و دوم

این بود که ممکن است کسی بگوید این تغییری در ظهور قبل نمی‌دهد و ممکن است بگوییم تغییری در ظهور قبل می‌دهد

اما بنا بر احتمال دیگر که منطبق بر احتمال سوم می‌شود این حسن، حسن فعلی تام است. اینکه گفتیم کَانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ این برای مَنْ کَانَ یَرْجُو اللَّهَ حسن تام است حسنی است که به فعلیت رسیده است. این هم یک احتمال است

این منتهی در صورتی است که لام در لمن‌کان یرجوا الله را لام بدل نگیریم بلکه بگوییم متعلق به حسنة است این هم یک بحثی است که در حسنه است و باز در جمع‌بندی بعدی به این نیاز پیدا می‌کنیم.

یک احتمال دیگر این است که کسی بگوید احترازی است و فراتر از آن احتمال دوم، این احتمال هم هست و قابل طرح است و این است که کسی بگوید احترازی تام و تمام است یعنی اسوه اگر بگوییم به معنای مصدر و اسم مصدر است و اتباع مراد است بگوییم اتباع از رسول‌خدا دو جور است یک اتباع خوب و یک اتباع غیر خوب، اتباع غیر خوب کجاست؟ اتباع رسول خداست در مختصات خصائص النبی که نُه تا زن ایشان می‌توانست داشته باشد، زن دائم اینجا اتباع حسن نیست، در آنجا که خصائص النبی است یا در امور مباحه که جزء امور جبلی یک فرد عادی است و ایشان هم داشته است ممکن است بگوییم آن حسن به این معنا را ندارد این هم یک احتمال است ممکن است کسی بگوید اسوة حسنة قید احترازی است فراتر از احترازیتی که در احتمال دوم می‌گوییم.

کاملاً احترازی است یعنی اسوه را تقسیم می‌کند به اسوه و تأسی و اتباع نیکو و نقطه مقابل اتباع غیر نیکو،

احتمال می‌دادم کسی بگوید اتباع دو قسم است یا حتی سه قسم است اتباعی که حسن ندارد و قبح دارد یا اتباعی که نه حسن دارد و نه قبح را ندارد و حسنة اینجا یک قسم از سه قسم را می‌گوید.

البته آن چیزی که در بین این احتمالات به لحاظ فنی باید بگوییم این است که اصل در قیود احترازی است ولی اگر این معنا را هم بپذیریم باید بگوییم این اصل است ولی درعین‌حال ما خودمان را که در معرض فهم آیه قرار می‌دهیم توضیحی بیشتر به ذهن می‌آید یعنی یک جوری فضا و اجواء و سیاق آیه که علی‌رغم اصالة الاحترازیه فی القیود به عنوان یک اصل عقلایی داریم اینجا به ذهن می‌آید اسوه حسنه یعنی اتباع خوب است

اسوه حسنه و غیر حسنه از حیث آن فعلی که متأسی به هست یعنی یک مجازی در آن قائل بشویم ولی بعید است درعین‌حال علی‌رغم اینکه سه چهار احتمال در حسنه اینجا هست باز هم آن که ظهور اولیه است و تبادر و انسباق به ذهن دارد توضیحیت است یعنی احتمال اول.

این مجموعه آیه را که کنار هم قرار بدهیم و انسباق و تبادر را دقت بکنیم می‌بینیم ما را به سمت اسوه حسنه می‌برد ابتاع خوب است قبل هم فهمیدیم این ابتاع خوب است ولی تأکید می‌کند.

از این جهت است که گفتیم حتی حسنة بنا بر بعضی از احتمالات مؤکد است که بنا بر احتمال اول است

# جمع‌بندی

سه چهار احتمال است

۱- اینکه حسنة توضیح محض است

۲- اینکه ضمن اینکه توضیح می‌دهد یک قرینیت بر آن رجحان و وجوب قبلی دارد

۳- اینکه حسنة احترازی است یعنی اتباع خوب و بد داریم و این خوب را می‌گوید

۴- اینکه بگوییم حسنة به لمن‌کان تعلق دارد، حسن تام فعلی را می‌گوید درحالی‌که احتمالات قبلی حسن در مقام تشریع و اقتضاء را می‌گفت. ولی احتمال اخیر این است که بگوییم حسن تام فعلی را می‌گوید بنا بر اینکه با لمن‌کان این را جمع بکنیم و بگوییم لمن‌کان به آن تعلق می‌گیرد.

در میان این چند احتمال باز تبادر و انسباق به ذهن احتمال اول است. که اتباع خوبی است و توضیح می‌دهد علی‌رغم اینکه اصالة الاحترازیه داریم آن احتمال قوی است حمل بر ایضاح و توضیح است.

همه این نکات به شکلی در آن دو سه بحث اصلی آیه بحث کنیم و احیاناً تغییراتی داده شود

# احتمالات رجاء در آیه

البته اگر ما مقام بحث تام تفصیلی داشتیم نکات دیگری هم وجود داشت در آن‌کان یرجوا الله و یوم الاخر بحث‌های زیادی وجود دارد که به بعضی طرح بحث اشاره می‌کنم

## احتمال اول: ایمان است

اینکه یرجوا الله و الیوم الاخر همان ایمان را می‌خواهد بگوید یا چیزی فراتر از ایمان را می‌خواهد بگوید این بحثی است و ظاهر این است که فراتر از ایمان را می‌خواهد بگوید، یعنی اعتقاد به یک امید به عنوان مقام خاصی از درجات ایمان اشاره می‌کند

این یک سؤال است

ممکن است کسی بگوید یرجوا الله و الیوم الاخر تعبیر دیگری از ایمان است برای اینکه همه درجات ایمان یک درجه‌ای از رجاء و آخرت و خدا در آن وجود دارد این جور باشد **﴿مَنْ کَانَ یَرْجُو اللَّهَ وَالْیَوْمَ الْآخِرَ﴾** می‌شود من‌کان یؤمن بالله و الیوم الاخر منتهی به جای یؤمن یکی از اوصافی که همیشه مؤمن به آن متصف هست ذکر هست که رجاء باشد

## احتمال دوم: اشتراک بین مؤمنان

این است که این رجاء چیزی بیش از آن رجای عام مشترک بین مؤمنان می‌گوید، عنایتی دارد که به رجاء اشاره شده است و این عنایت ما را هدایت می‌کند به اینکه رجاء را حمل کنیم به یک درجه خاصی از رجاء که مرتبه راقیه در مؤمنان هست.

ظهور اولیه ممکن است بگوییم آن است مطلق رجاء است و این منطبق بر مطلق ایمان است ولی ممکن است کسی بگوید آیات را که می‌بینیم و دقتی بکنیم در مفهوم رجاء دقت بکنیم و سیاق آیه می‌گوید چیزی بیش از اصل ایمان را بگوید. یک درجه بالای ایمان که همراه با درجه ویژه ایمان است و سیاق و قبل و بعد.

این هم نکته و بحثی است که طرح کردیم ولی جای بحث بیشتر باشد

رجاء عملی هم بگوییم باز یک معنای عام است که در همه مؤمنان هست یک معنای خاص دارد در این بحث تأثیر ندارد

این نکته‌ای است آیا اینجا رجاء می‌گوید مثل بحث‌های سوءظن این رجاء فقط اشاره به یک امر قلبی و جوارحی است یا اینکه یک بحث دیگری است، یرجوا اینکه اشراب شده به یک مفهوم عملی؟ رجاء عملی را می‌خواهد بگوید؟ یا ترکیبی از اینها.

این در خیلی از مفاهیم قرآن مطرح است از جمله در اینجا

# بحث ذکر الله کثیرا

اینکه مفهوم عام است یا در روایت دارد که تسبیحات حضرت زهرا سلام‌الله علیها است اینها چه بحثی دارد و چگونه باید تفسیر کرد در جای خود

این مجموعه حدود یازده مطلب است که در آیه است

# اصل بحث در آیه

اما آن که در این آیه اصل بحث است دو سه نکته است که طرح می‌کنیم و ملاحظه می‌کنید

## معنای اتباع

۱- اینکه این تأسی و اتباع به چه معناست

این در بعضی از کتب اصولی و احیاناً در کتب کلامی و در کلمات فریقین است که اتباع و تأسی به چه معناست؟ احتمالاتی وجود دارد.

آیا اتباع فیزیکی است یا محتوایی است؟ نکات دقیقی دارد که خواهیم گفت

این حقیقت اتباع چیست که بسیار مهم است و سابقه دارد و تاریخی است

یک بحث مهم دیگر در آیه این است که آیه اطلاق دارد یا ندارد؟ اسوة حسنة این نکره که در اینجا آمده اطلاقی در آن هست یا نیست دم‌دستی ممکن است کسی بگوید نکره در سیاق نفی نیست، نکره در سیاق ایجاب است و از آن اطلاقی استفاده نمی‌شود

اینها بزنگاه‌های اصلی است این ده مطلبی که چیدیم برای این است که به این بزنگاه اصلی برسیم که استدلال متوقف بر این دو مطلب است

یکی اینکه اتباع به معنایی باشد که قابل تفسیر باشد که بحث خواهیم کرد

دیگر اینکه اطلاقی در آیه باشد.

## 2- اتباع در مباحث تعلیم و تربیت

در مباحث تعلیم و تربیت بحث الگو تأسی خیلی مطرح هست، از قدیم تا دوره‌های جدید، در روانشناسی و در مباحث تعلیم و تربیت و همین‌طور در سنت تاریخی از دوره یونان تا دوره اسلام بحث الگو و تأسی به الگو و نقش الگو خیلی مطرح هست

اگر یک وقتی دست ما از اطلاق یا تمسک به آیه برای این بحث فقهی یا اصولی کوتاه شد اصلاً نباید نگران بود برای اینکه مقوله تأسی به عنوان یک اصل تربیتی جای خود را دارد و آیه قطعاً به آن اشاره دارد.

1. - سوره احزاب، آیه 21 [↑](#footnote-ref-1)